

## صنعت در ایران ۲

### مهدی تقوی

نرخ رشد تولیدات کشاورزی در سالهای ۴۰ و ۵۰ بسیار کمتر از نرخ رشد صنایع بوده و باردهی سرانه آن باتوجه به نرخ رشد جمعیت و بیکاری پنهان و علیرغم مهاجرت فزاینده روستائیان به شهرها و مکانیزه شدن بخشهایی از کشاورزی ایران بطرف صفر میل میکند. در این روند کمبود مواد غذایی ناشی از ازدیاد تقاضا و رکود بخش کشاورزی به حدی می رسد که حتی بوسیله افزایش سرسام آور واردات نیز قابل جبران نمی باشد، لذا قیمت مواد غذایی به مقدار قابل ملاحظه ای افزایش می یابد. در عین حال مبادله نابرابر بین شهر و روستا (بین کالاهای صنعتی و کشاورزی) و آشفتنگی بخش کشاورزی سطح زندگی بسیاری از روستائیان رانسبت به دوران قبل از اصلاحات ارضی کاهش می دهد.

بدینسان با قاطعیت می توان گفت که یکی از اساسی ترین حلقه های زنجیره توسعه و رشد اقتصادی ایران، شامل رشد نسبتاً موزون بخشهای کشاورزی و صنایع مصرفی و سنگین، گسسته شده و روند زوال بخش کشاورزی تشدید می گردد. در حالیکه تزئینات روبنائی مانند ایجاد کشت و صنعت های مدرن و غیره خوراک تبلیغات، " برای رژیم " رافراهم می آورند. اما صرف نظر از جوانب تبلیغاتی،

اصلاحات ارضی از نقطه نظر اقتصادی - اجتماعی نیز برای دولت فوایدی دربرداشت : استقلال سنتی و خودکفائی نسبی کشاورزی ایران از میان می رود و دولت با اتکا به درآمد نفت و واردات تأمین نیازهای گسترش یابنده مصرفی جامعه راعهده دار می شود. وضعیت صنایع ایران در سرآغاز افزایش فوق العاده بهای نفت نیز ماهیتاً تفاوت چندانی با موقعیت کشاورزی ندارد و علیرغم رشد سریعتر آن ، از زمینه ها و امکانات بومی بهره نمی گیرد و با توجه به هدف ایجاد اقتصادی مستقل و غیر وابسته صورت نمی پذیرد. حمایت بی برنامه دولت از بخشهای صنعتی وابسته به آن ، انگیزه کاهش هزینه تولید، تربیت نیروی کار ماهر و استفاده از تکنیکهای پیشرفته مدیریت را سرکوب می کند. بخش مهمی از سرمایه ها، اعم از " وابسته و یاغیر وابسته " به دولت و به زمین بازی ، واسطه گری و سایر فعالیت های غیرتولیدی اختصاص می یابد. بخش ساختمانی بیش از یک چهارم کل فعالیت های " صنعتی " را بخود اختصاص می دهد. همانند کشاورزی ، بخش سنتی صنایع و سرمایه داری شهری (وروستائی) مورد بی مهری و در خطر نابودی کامل قرار می گیرد. اگر بدلائل طبیعی و جغرافیائی نفت مبدل به یکی از ارکان اصلی اقتصاد ایران می گردد، بدیهی است که رکن دیگر می باید با کمک درآمد نفت و بر مبنای بالقوگی های سنتی صنعت و تجارت در ایران پی ریزی شود. حال آنکه بخاطر انجماد بخش سنتی ، ولی مهمتر از آن بخاطر بی توجهی و حتی مخالفت آگاهانه دولت با بخشهای سنتی اقتصاد این جامعه ، خلائی در روند رشد و توسعه صنعتی ایران ایجاد می شود که اثرات آن در تمامی زمینه های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی به چشم می خورد. برای مثال کوشش

بخش عظیمی ابزارآریان بجای اختصاص یافتن درجهت تسولید و گسترش بازارگانی مدرن، معطوف مقاومت در برابر حملات مستقیم و غیرمستقیم دولت می گردد. صنعتگران، که در سیر تحولات صنعتی اروپا، نقش عمده ای را ایفا کردند، در ایران در نتیجه رقابت کالاهای خارجی، صنایع بزرگ و مورد حمایت داخلی و بی توجهی مطلق دولت نیز در معرض نابودی یادست کم رکود فرار گرفته و از بهکارگیری قدرت ابتکار خویش محروم می مانند.

صنایع سنگین نیز که توسط دولت پی ریزی شده و تحت مالکیت مستقیم آن قرار داشت، صرف نظر از ضعف های آشکار آن، فاقد پیوندهای اصولی با سایر بخشهای اقتصادی جامعه بود. غالب این صنایع بدون توجه به امکانات و نیازهای بومی این جامعه و موقعیت فرآورده های آن در مقایسه با کالاهای مشابه در عرصه جهانی بوجود آمده و لذانه تنهائی پویستگی نسبی میان بخشهای مختلف اقتصاد جامعه وجود نداشت، بلکه هر یک از آنها بعنوان جزئی از مدارهای گردش سرمایه جهانی عمل می کردند. رشد بخش خدمات و فعالیت های واسطه ای راطی این دوران، از جمله در این رابطه می توان دریافت. *کاروانی و مطالعات فرهنگی*

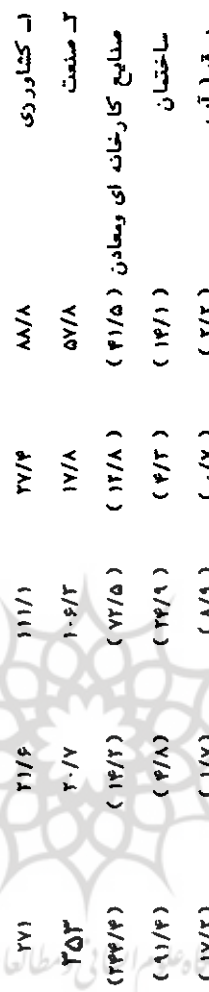
باردهی نازل کارگر ایرانی (همانند عقب ماندگی مدیتران و سرمایه گذاران، حتی در مقایسه با باردهی کارگران در بسیاری از کشورهای جهان سوم) بیانگر اختناق سیاسی و صنفی، فقر علمی و فرهنگی و ثروت اقتصادی و ثروت اقتصادی و نفت آورده جامعه ای بود که علی رغم تمامی ادعاها، شعارها و تبلیغات هنوز از بسیاری جوامع فقیرتر جهان سوم نیز عقب مانده تر بود.

بین سالهای (۱۳۵۱ - ۱۳۴۲) نرخ رشد متوسط سالانه تولید ناخالص ملی در حدود ۸ تا ۹ درصد بود. تولید سرانه ناخالص ملی بین ۵ تا ۶ درصد، و در بخش صنعت شامل صنایع و معادن و ساختمان (به استثنای نفت و گاز) شامل درآمد ناشی از فروش گاز طبیعی (به شوری) بین ۱۰ تا ۱۱ درصد، بخش خدمات ۸ تا ۹ درصد و کشاورزی بین ۲ تا ۳ درصد و نفت در حدود ۲۰ درصد رشد کرد. انفجار قیمت نفت در سال ۱۳۵۲ آمارهای مربوط به تولید ناخالص ملی را تا حد زیادی بی معنی می سازد. در دوره پانزده ساله بین ۴۲ و ۵۷ تولید ناخالص ملی ایران بیش از ۱۵ برابر می شود. با فرض نرخ ثابت ۷۵ ریال به ازای هر دلار، تولید ناخالص ملی از ۴۲۲۲ میلیون دلار به ۴۹۳۶۵ میلیون دلار و درآمد سرانه از ۱۸۸ به ۴۱۰ دلار افزایش می یابد. درآمد نفت که در سال ۱۳۴۲، ۴۰۰۰۰ میلیون ریال یا بیش از ۱۲ درصد تولید ناخالص ملی را تشکیل میدهد، تدریجاً افزایش یافته و در سالهای (۵ - ۱۳۵۰) به حدود ۲۵ درصد کل تولید ناخالص ملی می رسد. ولی ناگهان در سال ۱۳۵۲ درآمد نفت بالغ بر ۲۰۰ تا ۲۲۲ میلیون ریال گشته و ۵۰ درصد تولید ناخالص را تشکیل می دهد که پس از بکارگیری آن در بخشهای مختلف اقتصادی و اجتماعی، طی سالهای بعد، به ۳۴ درصد یعنی بیش از یک سوم کل تولید ناخالص ملی کاهش می یابد.

جدول زیر سهم هر یک از بخش ها را در تولید ناخالص ملی نشان می دهد:

جدول ۲ - سهم بخش های اقتصادی در تولید ناخالص ملی ۱۳۵۷ - ۱۳۴۲  
(به میلیاردهای ریال قیمت ثابت)

۱۳۵۷	۱۳۵۶	۱۳۵۴	۱۳۵۱	۱۳۴۷	۱۳۴۶	۱۳۴۲	۱۳۴۲
درصد از تولید ناخالص ملی	مقدار	درصد از تولید ناخالص ملی	مقدار	درصد از تولید ناخالص ملی	مقدار	درصد از تولید ناخالص ملی	مقدار
۹/۲	۳۲۹	۱۰/۲	۲۷۱	۲۱/۶	۱۱۱/۱	۲۷/۴	۸۸/۸
۱۸/۵	۶۸۴/۳	۱۲/۶	۲۵۳	۲۰/۷	۱۰۶/۳	۱۷/۸	۵۷/۸
( ۱۲/۶ )	( ۴۶۸/۳ )	( ۸/۵ )	( ۲۴۴/۴ )	( ۱۴/۲ )	( ۷۲/۵ )	( ۱۲/۸ )	( ۴۱/۵ )
( ۴/۸ )	( ۱۷۹/۵ )	( ۲/۵ )	( ۹۱/۴ )	( ۴/۸ )	( ۲۴/۹ )	( ۴/۳ )	( ۱۴/۱ )
( ۱/۱ )	( ۳۶/۶ )	( ۰/۶ )	( ۱۷/۲ )	( ۱/۷ )	( ۸/۹ )	( ۰/۷ )	( ۲/۲ )
۲۶/۴	۱۲۸۱/۳	۲۲/۹	۶۲۹/۴	۲۶/۴	۱۸۷	۴۰	۱۱۹/۸
( ۱۰/۹ )	( ۴۰۲/۳ )	( ۷/۹ )	( ۲۰۷/۸ )	( ۹/۴ )	( ۴۸/۶ )	( ۷/۶ )	( ۲۴/۷ )
۳۴/۷	۱۲۸۴/۹	۵۰/۶	۱۳۳۲/۳	۱۸	۹۲/۴	۱۲/۲	۴۰
—	۲۷۰۲/۴	—	۲۶۲۵/۷	—	۵۱۲/۸	—	۲۲۴/۲



رشد خدمات که از همان ابتدا چشمگیر است و بخش مهمی از تولید ناخالص ملی را تشکیل می دهد. در اینجا پرسش مهم این است که چرا رشد این مجموعه ناهمگون (تحت عنوان خدمات) باید در رونق "توسعه اقتصادی" از سرعت رشدی برابر رشد کل اقتصاد جامع بر خوردار باشد: هزینه های آموزش و مسکن بسرعت رشد می کند، ولی بخش مهمی از آن تلف می گردد. حمل و نقل و تجارت گسترش می یابد، اما ساختمان رانها و غیره تحت عنوان "ساختمان" منظور شده است. مخابرات و سایر انواع ارتباطات و مسافربری هوایی نیز سریعاً رشد می کند، اما کماکان بخش ناچیزی از "خدمات" را تشکیل می دهد. همین نکته در مورد بانکها و شرکتهای بیمه صادق است که اساساً نوعی تقسیم سهم نفت "بین اشخاص و اقشار ذینفوذ داخلی" بوده است. بنابراین کلید شناخت رشد سریع و سهم عظیم بخش خدمات را باید در بخش مربوط به "خدمات دولتی" جستجو کرد که از کلیه بخشهای تولید ناخالص ملی به استثنای نفت سریعتر رشد می کنند،

ادامه دارد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی